



عن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَخَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

تاریخچه اجمالی علم اصول فقه

شناسنامه مطلب	
e-o-46	کد مطلب
اصول فقه /مدخل	موضوع
	موضوع مرتبط
علمی /فقه و اصول /اصول فقه /کمک آموزشی /الموجز /تبیین	رده
تاریخچه علم، اصول فقه، فقه، اخباری‌گری، اصولیون، اخباریون	برچسب
محتوای این فایل از سایت wikifeqh.ir برگرفته شده است.	توضیحات

پایگاه ترکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

شیعه در طول حیات خود با اهتمام شدید به علم اصول فقه، آن را مقدمه فقه و ابزاری مهم در استنباط صحیح احکام شرعی ضروری می‌دانست، تا جایی که آن را، منطق علم فقه نامیده‌اند.

بدین معنا که فقیه در استنباط احکام شرعی از منابع، نیازمند اصول و قواعدی است که علم اصول فقه عهده‌دار آن است و بدون آن استنباط احکام شرعی کامل و تمام نیست. به‌طور کلی می‌توان برای علم اصول چهار دوره را در نظر گرفت؛ دوره پیدایش، دوره رشد و نمو، دوره رکود و دوره کمال و نوآوری.

دوره پیدایش

در نظر شیعه مسائل این علم، ریشه در عصر ائمه (ع) دارد و آنان به‌خصوص امام باقر و امام صادق (ع) اصول و شیوه‌های بهره‌وری از قرآن و سنت را تعلیم داده‌اند. بدین‌صورت که ائمه با املای قواعد و کلیات علم اصول به شاگردان خود زمینه را برای پیدایش چنین علمی فراهم آورده‌اند. بنابراین می‌توان آن‌ها را واضع و مؤسس علم اصول دانست.

دوره رشد و نمو

این دوره از اوایل قرن سوم شروع شده تا اواخر قرن دهم ادامه یافت. خصوصیت این دوره این است که برخلاف دوره پیدایش، در کتاب‌های اصولی به‌جای بحث از یک یا چند مسأله اصولی، تمام مسائل علم اصول مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. نخستین کسی که در این زمینه دست به تألیف تقریباً جامع و مستقلاً زد، محمد بن نعمان ملقب به شیخ مفید (م ۴۱۳ق) است که الرسالة الاصولية یا التذکرة باصول الفقه را نگاشته است. پس از شیخ مفید، سید مرتضی (م ۴۳۶ق) الذریعة الی اصول الشریعة و سپس شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) عدة الاصول را نوشته‌اند. از علمای دیگر که در این زمینه دست به تألیف زدند می‌توان به:

الف) ابن زهره حلی (م ۵۵۸ق) کتاب غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع

(ب) محقق حلی (م ۶۷۶ق) کتاب المعارج فی اصول الفقه

(ج) علامه حلی (م ۷۲۶ق) کتاب‌های تهذیب الوصول الی علم الاصول، نه‌ایة الاصول الی علم الاصول، مبادی الوصول الی علم الاصول، و

دوره رکود

علم اصول بعد از صاحب معالم با ظهور اخباری‌ها مورد حمله شدید قرار گرفت. اخباری‌گری به وسیله میرزا محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۳ق) بنیان نهاده شد. وی با تألیف کتاب الفوائد المدنیة اساس فقه اخباری را بی‌ریزی کرد و در آنجا خود را اخباری نامید و به مخالفت با علم اصول پرداخت و عده زیادی از علمای شیعه را با خود همراه کرد. وی مدعی بود که مسلک نو و جدیدی را ابداع نکرده، بلکه اخباری‌گری را روش اصحاب ائمه (ع) و قدما می‌دانست و لذا خود را محیی طریقه از بین رفته سلف صالح شیعه می‌دانست.

دوره کمال و نوآوری

آغازگر این دوره وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ق) است. وی با تلاش فراوان و مبارزه فراگیر با اخباری‌گری توانست حرکت نو و تکاملی در فقه و اصول آغاز کند. وی با تألیف حدود ۱۰۳ رساله کوچک و بزرگ رشد علم اصول را در یک مسیر جدیدی قرار داد. بعد از ایشان نیز همین مسیر ادامه یافت و کتاب‌های ارزشمندی در علم اصول نوشته شد. از مهم‌ترین کتب اصولی که در این دوره، یعنی از عصر وحید بهبهانی تا امروز تدوین شده است عبارت‌اند از:

(الف) الفوائد الحائریة، وحید بهبهانی

(ب) قوانین الاصول، میرزای قمی (م ۱۲۳۱ق)

(ج) عوائد الایام، مولی احمد نراقی (م ۱۲۴۵ق)

- (د) هدایة المسترشدين، محمدتقی بن عبدالرحیم (م۱۲۴۸ق)
- (ه) الفصول فی الاصول، شیخ محمدحسین بن عبدالرحیم (م۱۲۶۰ق)
- (و) فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری (م۱۲۸۱ق)
- (ز) کفایة الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی (م۱۳۲۹ق)
- (ح) فوائد الاصول، تقریرات درس میرزا حسین نائینی (م۱۳۵۵ق)
- (ت) درر الفوائد، عبد الکریم حائری (۱۲۷۴-۱۳۵۵ق)
- (ی) المقالات فی علم الاصول، ضیاء الدین عراقی (م۱۳۶۱ق)
- (ک) نهاية الدراية فی التعليقة على الكفاية، محمد حسین اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ق)
- (ل) مناهج الوصول الى علم الاصول و الرسائل، سید روح الله موسوی خمینی (۱۳۲۰-۱۴۰۹ق)
- (م) مصباح الاصول، تقریر درس سید ابوالقاسم خوئی (۱۳۷۱-۱۴۱۱ق)